



از بافتن تا اشتغال زایی

فرزان فاتحی؛ به دلیل علاقه‌ای که از کودکی به بحث بافندگی داشتم حوزه بافت را حرفه‌ای شروع کردم و با همکاری فنی و حرفه‌ای مدارک لازم را برای راه‌اندازی کارگاه اخذ کردم. این بانوی هنرمند ادامه داد: در زمینه‌های دیگر مربیانی از سطح شهر گردهم جمع کردیم و آموزشگاه صنایع‌دستی راه‌اندازی کردیم که با پنج زیرشاخه بافت، هنرهای تزئینی، هنرهای تجسمی، فناوری و فرهنگی و دوخت‌های سنتی این آموزشگاه و کارگاه شروع به کار کرد. وی در پایان متذکر شد: در این کارگاه اکنون برای پنج نفر اشتغال‌زایی شده که با توسعه و تجهیز آن اشتغال بیشتری ایجاد خواهد شد. / فارس

آن سال زمستان اما علیرضا یک کاری درهٔ سالگی من کرد که تا سی وچندسالگی‌ام هنوز عطر دارد و مثل آبنبات قیچی مزه‌اش لعاب می‌اندازد و کیف می‌دهد. آن روز علیرضا با یک شال‌گردن وارد شد. یک شال‌گردن که قواره یک آدم ۱۰ساله بود. پشمی و نرم بود با زمینه دودی‌رغالی و چهارخانه‌های ریز آبی‌درباری. خیلی خوش‌تراش و خوش‌حس بود. ما دهه شصتی‌ها اوایل پاییز یک چیزی تن‌مان می‌کردند که تا بیست و نهم اسفندماه تن‌مان بود و تبدیل می‌شد به بخشی از آناتومی‌مان. علیرضا نه که هیچ‌وقت یقه اسکی نباشد ولی مدام تنش نبود. علیرضا آن روز به جای یقه اسکی این شال را انداخته بود دور گردنش و وارد مدرسه شد. من یقین دارم دلی از کسی نبرد جز من. من عاشق شال‌گردن بودم، چون همه کسانی که دوستانشان داشت‌م در تلویزیون شال‌گردن داشتند. از کارآگاه علوی بگیر تا شرلوک هلمز، پوارو، کمیسر ناوارو و... خیلی حس خوبی به من می‌داد و فکر می‌کردم برای مهم شدن باید قطعا یکی از اینها داشت. به علیرضا

شاید باورتان نشود ولی آدمیزاد خیلی زود یادگرفت همه چیز را به هم ببافد

سرنخ بافندگی

از ۸۰۰۰ سال قبل از میلاد در ژرفای خاک‌های این مرز و بوم جا گرفته‌اند نگاهی انداخت که فرآیندی پیچیده‌تر از بافندگی دارد. کارتون کن که برای اداره کل باستان‌شناسی کار می‌کرد، ضمن کاوش‌هایی در سال‌های ۱۳۲۸ تا ۱۳۲۹ (۱۹۴۹ تا ۱۹۵۰) در غاری موسوم به غار کمربند در نزدیکی دریای خزر، پارچه‌هایی به دست آورد که ثابت می‌کند اقوام ایرانی از همان آغاز غارنشینی، پشم گوسفند و بز را به‌صورت پارچه می‌بافتند. آزمایش‌هایی که با کربن ۱۴ روی پارچه‌ها انجام گرفت، نشان داد که قدمت‌شان به ۶۵۰۰ سال قبل از میلاد می‌رسد.

نقطه حائز اهمیت دیگر این که، در حفاری‌هایی که طی ۳۰سال اخیر صورت گرفته‌است، لنگرها و دوک‌هایی به‌دست آمده که گواه وجود کارگاه‌های بافندگی در ایران کهن است. باستان‌شناسانی چون پروفسور گیرشمن و دکتر فیلیس اکرم‌ن تایید می‌کنند که عمر این دوک‌ها و لنگرها، با نخستین آثار سکونت انسان در فلات ایران مطابقت کامل دارد. بی دلیل نیست که در دوره تمدن شوش (۴۵۰۰ سال قبل از میلاد) فن پارچه‌بافی با توجه به ظرافت پارچه، راه کمال را طی کرده‌است. تیغه مسینی که با سفال‌های عهد اول در شوش به‌دست آمده و اثر املاح مس روی پارچه‌ای که تیغه را در آن پیچیده بودند، گواه این مدعاست. هم‌اکنون قسمت‌هایی از این قطعه پارچه در موزه لوور موجود است.

منم کوروش، عاشق بافتنی!

از نوشته‌های گزنفون چنین به نظر می‌رسد که در دوره مادها پارچه‌هایی زیباتر و بهتر از گذشته بافته می‌شده‌است. چنان‌که کوروش هخامنشی تحت‌تأثیر زیبایی و کمال لباس مادها قرار گرفت و نزدیکان خود را نیز برآن داشت تا مانند مادها لباس بپوشند. نساجی ایران در دوره هخامنشی به ویژه در زمینه بافت پارچه‌های پشمی، پشمی نرم و لطیف مشهور بود و شاهان این دوره به داشتن لباس‌های زیبا و فاخر در دنیا شهرت داشتند. یکی از دلایلی که برای نشان دادن پیشرفت صنعت پارچه بافی در زمان هخامنشیان ارائه می‌شود این است که اسکندر مقدونی با آن همه تعصب یونانی‌گری، برحسب نوشته‌های هرودوت و پلوتارک، از زمان ورود به ایران تا هنگام مرگش لباس‌های زیبافت ایرانی بر تن می‌کرد. پلوتارک و دیودور همچنین نوشته‌اند که پارچه‌های زری که تار آن را طلا و نقره می‌کشیدند و همچنین مخمل، پارچه‌های پشمی و پارچه‌های کتان‌ای ایران در دوره هخامنشیان بی‌اندازه مطلوب و زیانزد عام و خاص بود.

پس از انقراض دولت هخامنشی، مدت ۵ قرن از نظر بسیاری از صنایع و هنرها از جمله صنعت بافندگی پیشرفت چشمگیری پدید نیامد. این توقف صنعتی و هنری مولود دو عامل است؛ یکی نفوذ تمدن و سلیقه یونانی‌ها در دوره سلوکی‌ها که موجب امحای فرهنگ و تمدن ایران و توقف هرگونه پیشرفتی در فنون و صنایع خاص ایرانی شد. دوم روحیه جنگجویی و

گفتم قطعاً، خوش به حالت. یکی دو روز گذشت. علیرضا آن روز زنگ آخر من را کنار کشید. از کیفش کیسه مشمایی درآورد و گفت: بیا مال تو. من اگر بروم دانشمند بشوم، بابایم در مغازه دست تنها می‌ماند. تو بگیر بنداز دانشمند شو. گفتم مامانت ناراحت نشه؟ گفت: گفتم بهش. گفتم پس روی یک کاغذ یک جمله بنویس تقدیم به دوستم حامد عسکری که مامانم قبول کند. نوشت تقدیم به دوست عزیزم حامد عسکری، علیرضاچنگجو، کلاس پنجم ایثار.

علیرضا تو نمی‌دانی ولی آن شال‌گردن واقعا جادویی بود. آن شال‌گردن را هزار بار می‌انداختم و پشت پشתי‌هایی که شکل تریبون درآورده بودم شعر می‌خواندم. با آن شال‌گردن هزاربار مانتوی مشکی و ضخیم مادرم را تنم کردم به جای پالتو و کارآگاه علوی شدم هزاربار چالزدیکنز، هزاربار پوارو... تو شاهکار کردی پسر، علیرضای جنگجوی نازنین کلاس پنجم ایثار دبستان ابودر دمت گرم.

دبستان ابودر دمت گرم.

دبستان ابودر دمت گرم.

دبستان ابودر دمت گرم.

دبستان ابودر دمت گرم.

دبستان ابودر دمت گرم.

دبستان ابودر دمت گرم.



جهانگیری پادشاهان اشکانی که هرچند اختراعات تاریخی بسیاری را سبب شد و در بعضی مواقع ناکزیر به جنگ بودند، با این همه پادشاهان این دوره را از پرداختن به این هنر، تشویق و تربیت صنعتگران و هنرمندان فارغ می‌کرد.

از زمان اشکانیان یافته‌های فراوانی در دست نیست. تنها اثری که از نساجی این دوره به‌دست آمده چند تکه پارچه ابریشمی است که به‌همراه قطعه پارچه‌های بافته شده در چین، ضمن کشفیات ناحیه لولان در منتهی‌الیه ایران خاوری امروز به دست آمده‌است. به گفته اکثریت قریب به‌اتفاق پژوهشگران و مورخان، دوره ساسانی یکی از درخشان‌ترین و گویاترین دوره‌ها از نظر بافندگی بوده‌است. مسعودی در کتاب مروج‌الذهب می‌نویسد: «نیمی از شوکت و عظمت این دوره را باید در توسعه صنایع از جمله صنعت بافندگی جست‌وجو کرد.» بالاخره و خوشبختانه یافته‌های این دوره به وفور در موزه‌ها و کلیساهای غربیان حفظ شده‌است.

دکتر محمد حسین ذکی در کتاب صنایع ایران بعد از اسلام درباره بافته‌های این دوره می‌گوید: «در این دوره، بافندگی ایران به اوج عظمت، ترقی و رونق خود رسید.»

سلجوقیان، نقاش بافتنی ایرانی

دوران سلجوقیان را باید دوران شکوفایی دوباره هنر ایران دانست. از آن دوره حدود ۵۰ تکه پارچه باقی مانده‌است که اوج هنر در آنها دیده می‌شود. در این دوره پیچیده‌ترین و ظریف‌ترین نقشه‌ها بافته می‌شد. در این دوره بافت شطرنجی یک‌درمیان و دولا معمول‌تر بود و پارچه‌های دورو و اطلسی در کمال مهارت رایج بود. پوپ در کتاب شاهکارهای هنر ایران به شناسایی نابسامانی‌ها و عقب‌ماندگی‌های سال‌های استیلای مغول بر ایران در زمینه نساجی می‌پردازد. او معتقد است: «استیلای مغول با آن که نخست در سفال‌سازی و فلزکاری تأثیر مهمی نداشت، طراحی پارچه را به‌کلی تغییر داد.»

پس حصیرها و فرش‌ها و لباس‌ها و تورها و هر چیز بافتنی دیگر تولید شد. اسکیموها دور هم که می‌نشستند، از جنگ‌ها و شکارها و عشق‌هایشان می‌گفتند. اما یک نفر در جمع‌شان همیشه ساکت بود. او اسالتا اسکیمو نبود بلکه ویزیتوری بود که می‌خواست دمنوش‌های لاغری را در پاچه اسکیموها بچپاند. او هی دمنوش می‌ریخت و تأکید می‌کرد که فقط مخصوص توست. اما آن زبان‌نقهم‌ها هی می‌خوردند و هی حرف می‌زدند.

یک روز تصمیم گرفت بارش را ببندد و به سرزمینش برگردد اما پیش از رفتن، به پسرک زبان‌دراز برخواست. پسرک وقتی علت رفتن مرد را فهمید به او پیشنهادی داد. به او گفت: ای مرد کجا می‌خواهی بروی؟ بمان و ازدواج‌کن. وام بگیر و ساختمان بساز. بعد ولش کن تا قیمتش صدبرابر شود. من

شنیده‌ام که اینجا می‌خواهند مترو بکشند. پس تا می‌توانی زمین بخر. مرد به فکر فرورفت و گفت: من به شماها اعتماد ندارم. شما فقط حرف مفت می‌زنید. پسرک گفت: خب تو هم بزنی. مرد گفت: آخر من بلد نیستم. پسرک گفت: خب بیاف. خرج که ندارد. مرد اعتنایی نکرد، فحش زشتی به پسرک داد و رفت. پسرک هم اشاره‌ای به آن مرد کرد ولی او معنی‌اش را نفهمید و فقط برایش دست تکان داد.

تا اینجا فهمیدیم که علاوه‌بر پوشش، زیرانداز، روانداز و پرده، می‌توان دروغ

و قصه هم بافت. متریال خاصی هم نیاز ندارد. فقط یک روده‌دراز می‌خواهد، کمی شارلاتانی و یک‌دوره پوریوی. پس شما هم به فکر بیفتید. اگر نبافید، می‌بافند. پس پیش از آن‌که بافته شوید، بیافید.

حالا که بافتنی‌ها را دور خودتان پیچیده‌اید، دعوتید به خواندن ۲ رمان سرد زمستانی

رمان‌های سرد

هروقت حرف از بافت و بافتنی می‌شود، آدم بی‌اختیار ذهنش می‌رود سمت یک پاییز سرد و کلبه کوچکی در میانه جنگل که پیرمرد و پیرزنی در آن روزگار می‌گذرانند و احتمالا خانم خانه شب‌ها روی صندلی چوبی گهواره‌ای خود می‌نشینند و با کتابی در بغل، بافتنی می‌بافد و وقت‌هایی که خستگی بر او چیره می‌شود، فنجان دمنوشی برای خود می‌ریزد و چند صفحه‌ای کتاب می‌خواند. و مگر نه این‌که نویسنده‌های بزرگ هم در ابتدا با همین روزمرگی‌های زیبا، شروع به تخیل و نوشتن کرده‌اند و از دل نوشته‌هایشان، شاهکارهای ادبی دنیا بیرون آمد؟!

با حال و هوای این هفته هفتک، تصمیم گرفتیم کتاب‌هایی از زن نایغه ادبیات جنایی، آگاتا کریستی را به شما معرفی کنیم و پیشنهاد بدهیم که حتما پاییز خود را هرچند با یک کتاب از او، شیرین و مهیج کنید؛ کتاب‌هایی که قطعا در این شب‌های نسبتا خنک، حال و هوایی گرم به زندگی‌تان می‌بخشد.



علی غنی
.....
شاعرو نویسنده‌ای که کتاب‌خواندن در سرمه‌انکار شومینه‌را بیشتر دوست دارد

به طرف صفر

این کتاب با شب‌نشینی برخی از حقوق‌دانان مشهور شهر آغاز می‌شود. در این محفل مارتن‌اندال وکیل برجسته، روفوس لرد مشاور حقوقی دربار، آقای کلیور قاضی دیوان عالی و آقای تریفس مردی خیره و باتجربه حضور دارند و درباره یکی از مهم‌ترین پرونده‌های جنایی اخیر شهر صحبت می‌کنند.

آقای تریفس در میان مردم انگلستان بسیار مشهور و قابل‌احترام است. او حدود ۸۰ سال دارد و عضو یکی از مؤسسات حقوقی خیلی

معروف است و از جریان‌ات پشت‌پرده حوزه

جرم‌شناسی اطلاعات زیادی دارد. موضوع صحبت آقای تریفس و سایر حقوق‌دانان در این محفل پرونده‌ای است که به‌تازگی در دادگاه جنایی مرکز مورد بررسی بوده است.

در این پرونده قتل، قاتل تیره‌نه می‌شود و تعجب همه افراد را برمی‌انگیزد. ماجرای این پرونده قتل و مواجهه آقای تریفس با نامه‌ای عجیب پس از این شب، داستان جنایی و رازآلود کتاب «به طرف صفر» نوشته آگاتا کریستی را شکل می‌دهد.

قتل راجر آکروید

کتاب «قتل راجر آکروید» داستانی کارآگاهی از آگاتا کریستی است که اولین‌بار در ژوئن ۱۹۳۴ در انگلستان منتشر شد. این اثر سومین رمانی است که هرکول پوارو، کارآگاه تخیلی بلژیکی به‌عنوان کارآگاه اصلی داستان حضور دارد.

در سال ۲۰۱۳ این داستان از سوی انجمن نویسندگان داستان‌های جنایی انگلیس به‌عنوان بهترین رمان جنایی که تاکنون به نگارش درآمده است، انتخاب شد.

کتاب قتل راجر آکروید یکی از

شناخته‌شده‌ترین و جنجالی‌ترین رمان‌های کریستی

است که به‌نوبه خود از پیچ‌وتاب خلاقانه‌ای برخوردار است. این کتاب از سوی هوارد هایکرافت در لیست تأثیرگذارترین رمان‌های جنایی که تاکنون نوشته شده است، قرار گرفته و در زندگینامه کوتاه کریستی به‌عنوان شاهکار این نویسنده معرفی شده است. آگاتا کریستی این اثر را طی چندین فصل به نگارش درآورده است.

داستان کتاب قتل راجر آکروید با مرگ خانم فرارز آغاز می‌شود. جمعه هفدهم سپتامبر جیمز، دکتر برجسته شهر به خانه خانم فرارز می‌رود و پس از معاینه می‌گوید احتمالا بر اثر خوردن زیاد وروئال مرده است. کارولین خواهر جیمز این تشخیص را قبول نمی‌کند و معتقد است خانم فرارز خودکشی کرده است. خانم فرارز، مجرد، ثروتمند و جوان بود و یک سال پیش همسرش را از دست داد. کارولین معتقد است او سال گذشته همسرش را کشته و به‌دلیل پشیمانی خودکشی کرده است. ماجراجویی دکتر جیمز و اتفاقات عجیب و اسرارآمیز دیگر در دهکده کینگز آربوت داستان خواندنی و پرکشش قتل راجر آکروید نوشته آگاتا کریستی را شکل می‌دهد.